

لزوم دخالت هیئت منصفه و گلاسه دادگستری در دادگاههای نظامی

مقدمه

مجوز ایجاد دادگاههای نظامی - بموجب اصل ۸۷ متمم قانون اساسی که چنین مقرر داشته مجاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد . قانونی بنام قانون محاکمات نظامی در سال ۱۳۰۷ از تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورایملی گذشت و این قانون تا سال ۱۳۱۸ در جریان بود تا اینکه قانون دادرسی و کیفر ارتش در سال ۱۳۱۸ بتصویب کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورایملی رسید و طبق ماده ۴۶ آن . قانون محاکمات نظامی سال ۱۳۰۷ منسوخ و ملغی گردید . توضیح آنکه در ۲۷ آبانماه سال ۱۳۱۸ مجلس شورایملی اختیار قانونگذاری خود را در امور دادگستری بدینشرح بکمیسیون دادگستری مجلس شورایملی تفویض نمود « وزارت دادگستری مجاز است لوایح قانونی خود را بمجلس شورایملی پیشنهاد نماید و پس از تصویب کمیسیون قوانین دادگستری بموقع اجرا گذارد و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورایملی پیشنهاد نماید . » کمیسیون قوانین دادگستری باستناد این ماده واحده تعداد زیادی از قوانین منجمله قانون دادرسی و کیفر ارتش را تصویب نمود . رئیس مجلس شورایملی وقت آقای حسن اسفندیاری ذیل آن قانون چنین نوشته است « قانون آئین دادرسی و کیفر ارتش مشتمل بر ۴۶ ماده در تاریخ ۴ دیماه ۱۳۱۸ بتصویب کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورایملی رسیده قابل اجرا است . بنابراین ملاحظه میفرمائید که قانون دادرسی و کیفر ارتش از سال ۱۳۱۸ تا کنون برسم آزمایش اجرا شده و بیبایستی تکمیل و مجدداً بمجلس فرستاده شود که مجلس شورایملی آنرا تصویب نماید .

در قانون سال ۱۳۱۸ برای قضاة دادگاهها و دادستان و بازپرسها هیچگونه شرطی از لحاظ داشتن معلومات و تحصیلات قضائی پیش بینی نشده و در صورت تخلف از قانون در امور قضائی و عملیات برخلاف حیثیت و شئون مرجعی بنام دادگاه عالی انتظامی قضاة برای رسیدگی باعمال آنان پیش بینی نگردیده و بعلاوه قضاة دادگاههای مزبور از مصونیتی که قضاة دادگستری در مورد تبدیل و تغییر دارند استفاده نکرده و در قانون مذکور چیزی در این مورد پیش بینی نشده است . ضمناً تذکر این موضوع لازم است که رئیس دولت اسبق جناب آقای دکتر مصدق با استفاده از اختیارات قانونگذاری که مجلس شورایملی برای مدت شش ماه و همچنین تمدید مدت مذکور برای مدت یکسال به مشارالیه داده بود دو قانون در مورد سازمان قضائی ارتش وضع نمود . اولی بنام « لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش مصوبه

شانزدهم فروردین ماه ۱۳۳۲ که در قسمت اخیر آن چنین ذکر شده « بر طبق قانون تمدید مدت اختیارات مصوب سی ام دیماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش مشتمل بر ۶ فصل و ۷۸ ماده و تبصره تصویب میشود بتاريخ ۶/۱/۳۲ نخست وزیر .

دومی نیز لایحه قانونی دادرسی و کیفر ارتش مصوبه هفتم مرداد ماه ۱۳۳۲ میباشد در این دو لایحه دادگاه عالی انتظامی برای رسیدگی بتخلفات قضاة ارتش پیش بینی و تحصیلات قضائی برای قضاة ارتش شرط انتصاب قرار داده شد و بعلاوه رئیس دادگاههای تجدید نظر نظامی از قضاة دادگستری یعنی رئیس دادگاه استان مربوطه پیش بینی گردید پس از سقوط دولت مشارالیه چون این دو لایحه ضمن لوایح ضروری از طرف دولت بمجلس شورایی ملی پیشنهاد نشد از درجه اعتبار ساقط گردید. فعلا همان قانون دادرسی و کیفر ارتش سال ۱۳۲۸ عمل و مورد اجرا میباشد. توضیح اینکه تعداد قضاة نظامی در قانون سال ۱۳۱۸ در دادگاه بدوی نظامی ۵ نفر و در تجدیدنظر ۷ نفر بود که در لوایح قانونی مذکور بترتیب به سه و پنج نفر تقلیل داده شد. این اصلاح در مواد ۱۹ و ۳۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش هم مورد توجه و لازم تشخیص داده شد و وزارت جنگ و دادگستری لایحه ای در این مورد بمجلس شورایی ملی پیشنهاد و مواد مذکور اصلاح و در جلسه پنج شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۳۵ بتصویب مجلس شورایی ملی رسید. دو تبصره در ذیل مواد ۱۹ و ۳۵ اصلاحی بچشم میخورند که تبصره اول آن بدین شرح است.

تبصره ۱ - تعداد کارمندان دادگاههای بدوی و تجدید نظر نظامی در زمان جنگ نیز بتعداد کارمندان مصرح در این قانون خواهد بود.

تبصره ۲ - وزارت جنگ در صورت امکان رئیس و اعضای دادگاههای بدوی و تجدید نظر را از افسرانی که دارای تحصیل در رشته حقوق میباشند انتخاب مینمایند.
بنا بر این ملاحظه میفرمائید که در وضع فعلی افسران ارتش که در کادر قضائی باید انجام وظیفه نمایند در صورت امکان باید از افسرانی باشند که دارای تحصیل در رشته حقوق میباشند.

توضیح این مطلب ضروری است که از سال ۱۳۳۰ برای اینکه افسرانی که از دانشکده افسری فارغ التحصیل میشوند وارد به علوم حقوقی باشند که در خدمت افسری آنان مورد استفاده قرار گیرد در برنامه سه ساله تحصیلی دروس حقوق جزای عمومی آئین دادرسی ارتش - کلیات حقوق - حقوق بین الملل عمومی (بنام روابط) حقوق اساسی (بنام حکومت) و علم اقتصاد که کلیه آنها بنام علوم اجتماعی است تدریس میشود و این جانب افتخار تدریس درس حقوق جزای قسمتی از دانشجویان را مدت ۱۲ سال است عهده دار میباشم .

ضمناً در دو سال اخیر اقدامات جدی برای بهبود وضع دادرسی و قضاة ارتش شده و آن اقدامات ادامه دارد. از آنجمله است افتتاح دوره رسته افسران قضائی در دانشکده افسری

که داوطلبان ورود بدانشکده افسری که دارای دیپلم شش ساله متوسطه میباشند دوره چهارساله دانشکده حقوق را ضمن دروس و تعلیمات نظامی طی نموده پس از سه سال بدرجه ستوان دوم قضائی نایل میشوند. همچنین ایجاد کلاس یکساله عالی قضائی ارتش که چند هفته قبل در محل دانشکده افسری افتتاح وعده‌ای از افسران در آن مشغول تحصیل گردیدند.

ایجاد دادگاه عالی انتظامی قضاة ارتش از اقدامات چند ماهه اخیر است که در غیاب مجلسین طبق تصویبنامه هیئت دولت تصویب و لایحه قانونی آن قریباً بمجلسین پیشنهاد میشود که در آنجا هم تصویب شود. در هر حال امیدوار است که در آتیه نزدیکی دستگاه قضائی ارتش ما بصورت دستگاه قضائی ارتشهای ملل مترقی اروپائی و آمریکائی درآید زیرا همکاران عزیز بخوبی میدانند در فرانسه دستگاه قضائی مستقل نظامی که از افسران لیسانسبه حقوق تشکیل یافته وجود دارد زیرا تغییراتی که در سال ۱۹۳۲ در قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوبه سال ۱۹۲۸ فرانسه داده شد در ماه ۱۰ آن افسران دادرسی نظامی پیش بینی گردید افسران رسته دادرسی نظامی باید دارای دیپلم لیسانس حقوق بوده و یک سال در دادرسی عمومی کارآموزی کرده باشند.

اینک میپردازیم به انواع دادگاههای مذکور در قانون دادرسی کیفر ارتش مصوبه سال ۱۳۱۸ و سازمان دادستانی مربوطه.

دادگاههاییکه در قانون دادرسی و کیفر ارتش پیش بینی شده

۱ - دیوان حرب عادی ۲ - دیوان تجدید نظر ۳ - دادگاه انتظامی ۴ - دیوان حرب زمان جنگ ۵ - دیوان تجدید نظر زمان جنگ ۶ - دادگاه انضباطی اردوها.

۱ - دیوان حرب عادی مرکب از سه نفر افسر و یک عضو علی‌البدل است که از بین افسران حاضر بخدمت ناحیه مربوطه بر حسب پیشنهاد فرمانده ناحیه مربوطه و تصویب مقام بزرگ ارتشتاران تعیین میشوند. در معیت هر دادگاه یک دادستان و یک بازرس و یک منشی وجود دارد.

۲ - در هر واحدیکه دارای دیوان حرب عادی است یک دیوان تجدید نظر تشکیل میشود. دیوان تجدید نظر برای رسیدگی باحکام صادره از دیوان حربهای عادی مرکب از یک رئیس و چهار کارمند و یک عضو علی‌البدل میباشد که بنا به پیشنهاد فرمانده ناحیه مربوطه و برطبق امر بزرگ ارتشتاران تعیین میشود. در معیت هر دیوان تجدید نظر یک دادستان و یک منشی وجود دارد.

۳ - در هر واحد نظامی علاوه بر دو دادگاه مذکور یک یا چند دادگاه انتظامی مرکب از یک رئیس و دو کارمند انتخاب میشوند. در معیت دادگاه انتظامی یک دادستان و یک منشی موجود بوده و وظایف بازجوئی را خود دادستان انجام میدهد. رأیهای دادگاه

انتظامی قطعی بوده و قابل تجدید نظر نیست. رسیدگی بپزه‌های پائین مختص بدادگاه انتظامی است و دیوان حرب ارجاع نمیشود.

الف - بزه‌های اختلاس و تصرف غیر قانونی در وجوه دولتی و کلاهبرداری که دفعتاً ارتکاب شده و مبلغ آن از یک هزار ریال پیاپین باشد.

ب - بزه‌های ارتشاء که دفعتاً ارتکاب شده و مبالغ آن از پانصد ریال پیاپین باشد.

ع - دیوان حرب زمان جنگ - و قتیکه یک یا چند لشکر یا واحدهای مختلفه

چندین لشکر مأمور عملیات جنگی شوند اعم از اینکه در داخل یا خارج از کشور باشد در هر قرارگاه عمده بنا بازرگ ارتشتاران یک یا چند دیوان حرب زمان جنگ تشکیل میشود دیوان حرب زمان جنگ از سه افسر و یک عضو علی‌البدل تشکیل میشود. در معیت هر دیوان حرب زمان جنگ یک دادستان و یک منشی موجود بوده و دادستان در آن واحد وظایف خود و وظایف بازپرس را انجام میدهد.

ه - دیوان تجدید نظر زمان جنگ - در زمان جنگ در قرارگاه کل اردو یک

دیوان تجدید نظر مرکب از ه افسر و یک عضو علی‌البدل از بین افسران اردو و بنا به پیشنهاد فرمانده کل اردو و بر طبق امر بزرگ ارتشتاران تشکیل میشود. در معیت این دادگاه یک دادستان و در صورت لزوم یک معاون انجام وظیفه مینماید. دیوان مذکور با حکام صادره از دیوان حرب زمان جنگ رسیدگی مینماید.

و - دادگاه انضباطی اردوها - دادگاه مذکور در مواقع اردو کشی و جنگ مرکب

از یک ضابط نظامی تشکیل میشود و در حوزه خود بدعاوی مشروحه زیر رسیدگی مینماید.

الف - بزه‌هایی که کیفر آن از دو ماه حبس و یکصد ریال جزای نقدی یا یکی از آنها

تجاوز نماید.

ب - نسبت بدعاوی خسارتی که مربوط بپزه‌های مذکور در بند الف باشد و خواسته

آن از دو بیست ریال تجاوز نکند.

سازمان دادستانی ارتش

دادستانی ارتش در اداره دادرسی ارتش و در پایتخت تشکیل میشود. افسر

دادستان ارتش که در رأس دادستانی ارتش قرار دارد از لحاظ قضائی نماینده بزرگ ارتشتاران

میباشد. دادستان ارتش دارای یک معاون و بتعداد کافی دادیار میباشد که در کارهای قضائی

ناوبرده را کمک میکنند. کلیه دادستانهای دادگاههای نظامی که در مرکز و خارج از

مرکز در مناطق نظامی انجام وظیفه مینمایند نماینده دادستان ارتش بوده و بنمایندگی مشارالیه

وینام او انجام وظیفه مینمایند.

اهم وظایف دادستان ارتش بشرح زیر میباشد.

الف - تمام قرارهای منع پیکر د که از طرف بازپرسهای خارج از پایتخت یا بازپرسهای

مقیم مرکز با موافقت دادستان مربوطه صادر میشود و نتی قطعیت پیدا میکند که دادستان ارتش با آن موافقت نماید و هرگاه دادستان ارتش با قرار منع تعقیب مخالف باشد حل اختلاف در یکی از دادگاههای نظامی پایتخت بعمل میآید.

ب - تمام رأی‌های دیوان‌حربهای متشکل در پایتخت و استانها و شهرستانهای ایران برای موافقت و اظهار نظر با اداره دادرسی ارتش فرستاده میشود و اجرای رأی‌های مذکور موکول بموافقت دادستان ارتش میباشد. ضمناً هر واحدیکه دارای دیوان حرب میباشد دادستان و بازپرس و دادیاران و کارمندانیکه سمت منشی‌گری بازپرس را عهده‌دار میباشد مجموعاً دادرسی نظامی واحد مربوطه را تشکیل میدهند.

لزوم دخالت هیئت منصفه در جرائم سیاسی که در دادگاههای نظامی رسیدگی میشود

در جلسه پیش یکی از بانوان محترم بطور مفصل در اطراف هیئت منصفه مخصوصاً دخالت هیئت مذکور در کلیه دادگاههای کشور آمریکا اعم از دادگاههای حقوقی و جزائی در قانون و کلاه سخنرانی فرمودند و در قسمت اخیر سخنرانی خود اشاره نمودند که هیئت منصفه در دادگاههای نظامی کشور آمریکا دخالت نموده در تعیین سرنوشت متهم ذی‌مدخل میباشد.

با توجه به این موضوع بود که اینجانب هم ب فکر این افتادم که در اطراف هیئت منصفه در دادگاه نظامی بررسی و یک قسمت از موضوع بحث خود را در این باب تخصص دهم. امروز با بررسی دقیق و مطالعاتیکه در این مورد نموده‌ام در اطراف این موضوع صحبت میکنم. اصل ۷۹ متمم قانون اساسی چنین مقرر داشته است: «در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکمه حاضر خواهند بود.» البته پرواضح است که قانون اساسی بالاترین و مهمترین قوانین هر کشوری است و کلیه قوانین باید از قانون اساسی تبعیت نموده و مخالفتی با آن نداشته باشند بطوریکه قانون دادرسی و کیفر ارتش و یا قانون سازمان امنیت و اطلاعات کشور مصوب ۱۳۳۵ و یا سایر قوانین نمیتوانند مخالف یا ناقض قانون اساسی منجمله اصل ۷۹ متمم قانون اساسی باشند چون در اصل مذکور قید شده است هیئت منصفین در محاکمه حاضر خواهند بود و کلمه محاکمه اعم است از محاکمه عمومی یا محاکمه اختصاصی. بنابراین نمیشود استدلال کرد که حضور هیئت منصفه در رسیدگی بجرائم سیاسی مختص دادگاههای دادگستری است و در دادگاه نظامی نباید از آن استفاده شود حال ممکن است استدلال کنند که جرائمیکه در دادگاههای نظامی رسیدگی میشود فاقد جنبه سیاسی است و در دادگاههای نظامی بجرائم نظامی یا جرائم عمومی مخصوصی رسیدگی میشود. برای پاسخ دادن باین موضوع باید بسراغ جرائمی رفت که در سالهای اخیر در صلاحیت دادگاههای نظامی قرار گرفته و دید آیا آن جرائم سیاسی هستند یا خیر.

جرائمیکه رسیدگی بانها طبق قانون سازمان امنیت مصوبه ۱۳۳۵ در صلاحیت

دادگاههای نظامی قرار گرفته اند - در بند (ه) ماده ۲ قانون مذکور که وظایف مأمورین آن اداره یعنی ضابطین نظامی را تعیین میکند چنین مقرر شده است. بازرسی و کشف و تحقیقات نسبت به بزه های زیر :

۱ - بزه های منظور در قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۰ .

۲ - جنحه و جنایاتی که در فصل اول باب دوم قانون کیفر عمومی مصوب ۲۳ دیماه ۱۳۰۴ پیش بینی شده است .

۳ - بزه های مذکور در مواد ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۶ و ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ .

حال باید در هر یک از بزه های سه گانه دقت کنیم که معلوم شود جرائم مذکور سیاسی است یا خیر. برای این منظور باید ببینیم جرم سیاسی چیست .

چون در قوانین جزائی ما تعریف جرم سیاسی نشده است در اینصورت باید در این مورد به تعریف مجامع بین المللی حقوقدانان درباره جرم سیاسی یا بعقاید و دکترین علماء حقوق جزا مراجعه نمود . در کنفرانس بین المللی کپنهاگ که در تاریخ ۱۹۳۵ برای توحید قوانین جزائی ممالک دنیا تشکیل شده بود بطریق زیر از جرم سیاسی تعریف شده است « جرم سیاسی عبارت از جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت ارتکاب میشود . » اگر نگاهی بجرائم مذکور در بند ۱ بالا کنیم مشاهده مینمائیم قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ در ۷ ماده بجای ماده ۶ . قانون مجازات عمومی وضع شده که تمام آنها مشمول تعریف جرم سیاسی میشوند . مطالعه در بند ۲ جرائم مذکور بالا که در فصل اول باب دوم قانون کیفر عمومی پیش بینی شده ... به سه مبحث تقسیم شده :

مبحث اول از ماده ۶ تا ۶۸ (جنحه و جنایت برضد امنیت خارجی مملکت .)

مبحث دوم از ماده ۶۹ تا ۷۹ (جنحه و جنایت برضد امنیت داخلی مملکت)

مبحث سوم مواد ۸۰ تا ۸۱۹

که هر سه مبحث جرائم آن مشمول تعریف جرم سیاسی میگردد .

با توجه به مراتب بالا ملاحظه میفرمایند که کلیه جرائم مندرجه در قانون سازمان امنیت و اطلاعات کشور که در صلاحیت دادگاههای نظامی است جرم سیاسی میباشد و حضور هیئت منصفه در این دادگاهها لازم و ضروری است .

دخالت و لزوم حضور وکیل دادگستری در دادگاههای نظامی

در قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب سال ۱۳۱۸ در ماده ۱۸۱ آن چنین مقرر شده « رئیس دادگاه پس از وصول پرونده دستور احضار متهم را خواهد داد تا وکیل

مدافعی که وکالت او را کتباً قبول کرده باشد برای خود تعیین و معرفی نماید. هرگاه متهم برای تعیین وکیل مدافع درخواست مهلت نماید رئیس دادگاه میتواند از ۰ تا ۱۰ روز به او مهلت دهد»

بلافاصله در ماده ۱۸۲ چنین ذکر شده :

ماده ۱۸۲ - متهم آزاد است که از بین نظامیان یا همردیفان آنها (اعم از اینکه مصدر شغل یا منتظر خدمت یا بازنشسته باشند) برای خود یک یا چند نفر وکیل مدافع تعیین و معرفی نماید ولو اینکه اقوام و دوستان او باشد .

بنا بر این ملاحظه میفرمائید که هیچ شرطی از لحاظ معلومات حقوقی برای چنین وکیلی در این قانون پیش بینی نشده . درست است که در وضع کنونی بیشتر از وکلای مدافع که در دادگاههای نظامی وکالت مینمایند از لیسانسیه های حقوق میباشد یا از افسران بازنشسته ای هستند که لیسانسیه حقوق بوده و اخیراً چند نفر آنها با تنخار وکالت دادگستری نایل و دارای پروانه وکالت هم شده اند ولی وجود این چنین وکلای کافی برای تأمین منافع متهمینی که در دادگاههای نظامی محاکمه میشوند نبوده و با توضیحاتی که ذیلا داده میشود لزوم اصلاح ماده مذکور و اجازه دخالت وکیل دادگستری در این دادگاهها ضروری میباشد .

توسعه صلاحیت رسیدگی بجرائم در دادگاههای نظامی - از سال ۱۳۱۸ بتدریج صلاحیت دادگاههای نظامی توسعه یافته و جرائم زیادی که جنبه عمومی داشته از صلاحیت دادگاههای دادگستری خارج و رسیدگی آن بدادگاههای نظامی محول شده که اهم آنها عبارتند از :

۱ - راهزنی مذکور در (ماده ۸۰ ، ۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش) اعم از راهزنی مسلحانه یا غیر آن .

۲ - سرقت مسلحانه (ماده ۱۰۰ ، ۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش)

۳ - تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص میشوند مصوب تیرماه ۱۳۳۳ مخصوصاً وضع سارقین عادی که پس از سه مرتبه محکومیت اگر باز هم مرتکب سرقت شوند مجازات آنها حبس دائم یا اعدام است .

۴ - جرائم مذکور در قانون سازمان امنیت و اطلاعات کشور مصوبه ۱۳۳۵ (جنحه و جنایت برضد امنیت داخلی و خارجی مملکت)

۵ - جرائم عمومی افسران و درجه داران ارتش و ژاندارمری و شهربانی که بسبب خدمت یا در حین خدمت و بسبب آن روی داده مصوب خرداد ۱۳۳۹

۶ - مجازات اخلاف گران در صنایع نفت مصوب ۱۳۳۶

با توضیح مراتب بالا پرواضح است که برای تضمین و تأمین دفاع از متهمین مذکور در مواد بالا احتیاج بوجود دخالت وکلای دادگستری که بر موز دفاع در دادگاههای جزائی کاملاً وارد و برای احقاق حق و روشن نمودن پرونده های تاریک در دادگاه از

اشخاص مذکور در ماده ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش که عهده دار وکالت میگردند ارجحیت دارند موضوع حیاتی و نهایت لازم و ضروری است. درست است که در قانون طرز تشکیل دادگاههای نظامی موقت زمان حکومت نظامی مصوب ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۲۱ و آئین نامه های مربوطه (مصوب ۱۶ خرداد و ۲۱ شهریور ۱۳۲۲ مصوبه کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی) در ماده ۱۰ آن بدن شرح اجازه دخالت وکیل دادگستری در دادگاههای نظامی موقت زمان حکومت نظامی داده شده.

ماده ۱۰ - متهم میتواند وکیل مدافع خود را از میان نظامیان مطابق قانون دادرسی و کیفر ارتش و یا از وکلای دادگستری مطابق قانون انتخاب نماید و نیز دادگاه میتواند به درخواست متهم وکیل مسخر برای او تعیین کند. ولی این اجازه قانونی کافی برای تضمین و تأمین منافع دفاع متهمین دیگر که در دادگاههای دائمی نظامی دادرسی میشوند نمیشود.

اگر نگاهی بقوانین آئین دادرسی و کیفر ارتش سایر کشورها منجمله کشور فرانسه بیهکنیم ملاحظه میکنیم که وکلای دادگستری مجاز بدخالت و حضور در دادگاههای نظامی بوده و بعلاوه در مراحل تحقیقات اولیه و بازپرسی هم همانطور که در دادسراهای عمومی حق حضور در محضر بازپرس را در معیت موکل خود دارند در بازپرسیهای نظامی نیز حاضر و در معیت موکل خود طبق وظایف محوله رفتار خواهند نمود.

لزوم حضور وکلای مدافع نظامی در مراحل بازپرسی نظامی - در حال حاضر وکلای نظامی مذکور در ماده ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش اجازه حضور در محضر بازپرس را در معیت موکلین خود ندارند حال آنکه بنظر اینجانب این حق قانونی با مراجعه به ماده ۲۸۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش که ذیلا درج میگردد برای آنها موجود میباشد.

ماده ۲۸۷ - « هرگاه بازپرسها و یا دادستانها و یا دادگاهها در قسمت آئین دادرسی با اشکالات یا مواردی که در این قانون پیش بینی نشده است مواجه شوند مطابق مقررات قانون آئین دادرسی کیفری عمل خواهند نمود. »

بطوریکه استحضار دارند در ضمن اصلاحاتی که در سالهای اخیر در آئین دادرسی کیفری بعمل آمد حق حضور وکیل در مرحله بازپرسی بنفع موکل داده شده بطوریکه تبصره ماده ۱۱۲ قانون مذکور چنین مقرر میدارد: « متهم میتواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی میتواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرا قوانین لازم بداند ببازپرس تذکر بدهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس میگردد. »

اضافه شدن این تبصره بماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری برای بیشتر تضمین و تأمین کردن منافع حق دفاع متهم در امور جزائی میباشد. بدین ترتیب که پس از خاتمه

بازجوئی و کیل می بایستی اوراق بازپرسی موکل را قرائت نموده و در صورت لزوم کلیه اوراق پرونده متشکله را مطالعه و مطالبی را که برای اجرای قوانین و دفاع از متهم و روشن شدن حقیقت لازم میداند بازپرس تذکر دهد که در صورت جلسه مربوطه منعکس و بامضای طرفین برسد. بنابراین در بازپرسیهای نظامی هم همین حق که بنفع متهم وضع شده بایستی بوکیل او داده شود که بنفع موکل خود از آن استفاده نماید زیرا این مورد از مواردی است که در قانون دادرسی و کیفر ارتش پیش بینی نشده و طبق ماده ۲۸۷ آئین دادرسی کیفری باید بنفع متهم مطابق مقررات قانون دادرسی کیفری عمل نمود.

نتیجه

با توضیح مراتبیکه بطور مشروح بیان گردید در اینموقع که مجلس شورایی ملی و سنا افتتاح شده است و آماده تصویب لوایح و طرحهای مفید اجتماعی و حقوقی میگردد بر کانون وکلای دادگستری و هیئت مدیره محترم آن است که مراتب را در این مورد بطور مفصل و مشروح بوزارت دادگستری اعلام که وزارت نامبرده با تماس وزارت جنگ ماده واحدهای تنظیم و برای اصلاح ماده ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش به مجلس شورایی ملی و سنا تقدیم نماید که وکلای دادگستری علاوه بر افسران مذکور در ماده ۱۸۲ بتوانند هم در مرحله بازپرسی نظامی و هم در دادگاههای نظامی و کالت متهمین را برای دفاع از اتهام آنها عهده دار شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی